

نقدی بر

« استراتژی توسعه صنعتی کشور »



انجمن صنایع نساجی ایران

تهیه و تنظیم : مهندس علیرضا حائری - مهندس علی روشنی

آبان ماه ۱۳۸۹

مقدمه

قبل از هر چیز لازم می‌دانیم از تلاش‌های مجدانه وزارت صنایع و معادن بویژه معاونت محترم برنامه‌ریزی، توسعه و فناوری آن وزارتخانه برای تدوین پیش‌نویس «استراتژی توسعه صنعتی کشور» تشکر و قدردانی نماییم. این کار ارزشمند، زمانی نمود بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم تاکنون پنج سال از سالهای سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی (افق ۱۴۰۴ هجری شمسی) می‌گذرد، ولی تاکنون هیچ استراتژی مدونی برای توسعه صنعتی جمهوری اسلامی ایران جهت تحقق این سند مهم و ارزشمند ابلاغ نشده است. یکبار در زمان دولت سابق، توسط آقای دکتر مسعود نیلی و همکارانشان در دانشگاه صنعتی شریف این اتفاق افتاد، ولی عملاً استفاده‌ای از آن به عمل نیامد.

با توجه به این سابقه امید است این استراتژی که پیش‌نویس آن توسط مسئولان فعلی وزارت صنایع و معادن تدوین گردیده، از طریق رایزنی و مشورت با تشکلهای صنفی و نهادهای مدنی بخش خصوصی صنعت و اقتصاد کشور و همکاری نمایندگان مجلس شورای اسلامی هر چه زودتر به قانون تبدیل و برای اجرا ابلاغ گردد و در نتیجه صنعتگران کشور از سردرگمی ناشی از فقدان استراتژی روشن صنعتی رهایی یابند. مضافاً این که این سند هنگامی به تصویب نهایی خواهد رسید که اجرای قانون هدفمند سازی یارانه‌ها نیز آغاز شده و شوک‌های ناشی از آن در این سند قابل پیش‌بینی خواهد بود.

انجمن صنایع نساجی ایران به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و فعال‌ترین نهادهای مدنی بخش خصوصی صنعت نساجی ایران با قریب نیم قرن فعالیت مستمر و دارا بودن ۳۰۰ عضو فعال و توانمند که در حال حاضر بیش از نیمی از سرمایه‌گذاری، تولید و صادرات صنایع نساجی کشور را نمایندگی می‌کند، کماکان آمادگی کامل خود را برای همکاری در تدوین نهایی و به تصویب رساندن این پیش‌نویس اعلام می‌نماید.

شاخص‌های کلان

شاخص‌های کلان صنعت نساجی ایران در شرایط فعلی اقتصاد کشور به شرح زیر است:

الف - اشتغال

به گزارش دفتر صنایع نساجی و پوشاک وزارت صنایع و معادن، تا پایان سال ۱۳۸۸، بیش از ۲۸۰ هزار نفر به طور مستقیم در تعداد ۹۳۹۰ واحد تولیدی کوچک و بزرگ صنعت نساجی با بیش از ۴۱ هزار میلیارد ریال سرمایه‌گذاری ریالی در سراسر کشور مشغول به کار بوده‌اند و اگر بخواهیم افرادی را که به طور غیر مستقیم نیز در حرفه‌های وابسته به این صنعت به فعالیت مشغولند - از شاغلین در مزارع پنبه و پرورش نوغان تا فروشندگان پوشاک و منسوجات - به حساب آوریم، این عدد به بیش از ۳ میلیون نفر خواهد رسید. این موضوع نشان می‌دهد که صنعت

نساجی از نظر اشتغال‌زایی در ردیف اول صنایع کشور به حساب آمده و بهترین گزینه برای حل معضل بیکاری می‌باشد.

ب - صادرات

یکی از شاخص‌های کلان صنعت نساجی و پوشاک کشورمان، صادرات روبه رشد و ارزآوری این صنعت است. میزان صادرات صنایع نساجی و پوشاک در سال ۱۳۸۰ معادل ۱۶۷ میلیون دلار بوده که در سال ۱۳۸۵ به ۵۸۰ میلیون دلار و در سال ۱۳۸۸ به ۶۳۰ میلیون دلار بالغ گردیده است. طبق آمار رسمی گمرک جمهوری اسلامی ایران ارزش صادرات غیر نفتی کشور در سال ۱۳۸۸ معادل ۲۵ میلیارد دلار بوده که ۱۲ میلیارد دلار آن کالاهای صنعتی بوده است. به این ترتیب سهم صادرات کالاهای نساجی و پوشاک از صادرات غیرنفتی معادل ۲/۵ درصد و سهم آن از صادرات کالاهای صنعتی کشور معادل ۵ درصد بوده است.

البته این میزان صادرات در دوره‌ای اتفاق افتاده که موانع عدیده‌ای بر سر راه صادرکنندگان کشور خودنمایی می‌کند. بنابر این صنعت نساجی یکی از بهترین گزینه‌های صنعتی برای توسعه صادرات غیر نفتی کشور به حساب می‌آید و پتانسیل آن را دارد که با برداشتن موانع میزان صادرات سالانه خود را به راحتی به مرز ۵ میلیارد دلار برساند.

ج - ارزش افزوده

اولین و حیاتی‌ترین ماده اولیه طبیعی مورد نیاز برای صنایع نساجی و پوشاک، پنبه است. قیمت یک کیلو پنبه مخلوج در حال حاضر که پنبه کمیاب و گران است، به طور متوسط حدود ۲/۵ دلار می‌باشد، در حالی که همین پنبه وقتی طی مراحل ریسنجی، بافندگی و پوشاک، به نخ، پارچه و لباس دوخته شده تبدیل می‌شود، قیمت هر کیلو پارچه مصرف شده در پوشاک با احتساب ارزش برند آن محصول به حدود ۲۰۰ دلار خواهد رسید. این میزان ارزش افزوده به غیر از صنایع Hi-Tech در هیچ صنعت دیگری در ایران قابل تصور هم نیست. لازم به ذکر است که به گزارش دفتر صنایع نساجی و پوشاک وزارت صنایع و معادن، سهم ارزش افزوده صنعت نساجی از کل صنعت معادل ۴ درصد است.

مزیت‌های نسبی

الف - نیاز اساسی جامعه

پوشاک یکی از اساسی‌ترین نیازهای هر جامعه و پس از غذا، مهم‌ترین نیاز بشر است. به طوری که هر انسانی از بدو تولد تا مرگ و حتی پس از مرگ (پوشاک نوزادی تا کفن) به نوعی از پوشاک نیاز دارد. این نیاز اساسی انگیزه و محرک بسیار قوی‌ای برای سرمایه‌گذاری در این بخش قلمداد می‌گردد که لازم است از این فرصت حداکثر استفاده به عمل نیامده است.

ب - تامین آسان مواد اولیه مورد نیاز

۱ - مواد اولیه طبیعی

شرایط طبیعی و آب و هوایی ایران برای تولید مواد اولیه طبیعی مورد نیاز صنایع نساجی از جمله پشم و پنبه و ابریشم، یکی از مزیت‌های نسبی مهم کشورمان برای رونق صنعت نساجی و پوشاک نسبت به کشورهای رقیب است که متأسفانه از این همه استعداد به خصوص در سال‌های اخیر استفاده بهینه‌ای به عمل نیامده است.

در گذشته‌های نه چندان دور ما در ایران سالیانه حدود ۲۴۰ هزار تن پنبه در سال تولید می‌کردیم که علاوه بر تامین نیاز داخل، مازاد آن نیز صادر می‌گردید. ارزش صادرات پنبه در ایران در آن سال‌ها به حدود سالیانه ۱۲۰ میلیون دلار بالغ می‌گردید که معادل ۲۰ درصد صادرات غیرنفتی و ۴۵ درصد صادرات کالاهای کشاورزی بوده است. این سابقه نشان می‌دهد که کشورمان هم تجربه و هم دانش تولید پنبه، نه تنها برای تامین نیاز داخل، بلکه برای صادرات هم دارد.

۲ - مواد اولیه مصنوعی

وجود منابع غنی زیر زمینی از جمله نفت و گاز و وجود کارخانجات عظیم پتروشیمی وابسته به آن سرمایه بزرگی برای تولید مواد اولیه مصنوعی مورد نیاز کارخانجات نساجی چون الیاف پلی‌استر، پلی‌پروپیلن و اکریلیک است. این سرمایه کلان نیز مزیت نسبی بزرگ دیگری برای کشورمان در مقایسه با رقبای منطقه‌ای جهت تولید منسوجات به شمار می‌رود.

ج - بازار بزرگ مصرف

بازار بزرگ ۷۵ میلیونی فروش پوشاک در داخل کشور به علاوه بازار بزرگ‌تر حدود ۳۵۰ میلیونی خاور میانه و کشورهای آسیای میانه و مهم‌تر از همه **بازار یک میلیاردی مسلمانان جهان، یکی دیگر از مزیت‌های نسبی تولید محصولات صنایع نساجی و پوشاک در ایران است که می‌تواند به عنوان یک انگیزه بسیار قوی برای سرمایه‌گذاری در این صنعت عمل کند.**

د - نیروی انسانی

با توجه به بومی بودن صنعت نساجی در ایران، بخش زیادی از پتانسیل نیروی کار کشورمان با این صنعت آشنا بوده و در حقیقت زندگی آنها با آن عجین شده است. به علاوه وجود مراکز علمی و دانشگاهی معتبر و وجود حدود ۱۱ هزار تحصیل کرده نساجی نشان می‌دهد که ما در کشورمان از یک استعداد بالقوه بسیار موثری در زمینه نیروی انسانی ماهر، تحصیل کرده و خلاق در زمینه نساجی برخورداریم که فقط کافی است بستر فعالیت و زمینه رشد را برای آنها فراهم آوریم.

نقد استراتژی

از نظر انجمن صنایع نساجی ایران، مهم‌ترین ایراد وارده به پیش‌نویس استراتژی توسعه صنعتی تدوین شده توسط معاونت برنامه‌ریزی، توسعه و فناوری وزارت صنایع و معادن این است که در این استراتژی، هیچ اشاره‌ای به جایگاه و نقش صنعت نساجی و پوشاک در توسعه صنعت و اقتصاد کشور نشده است. در حالی تمامی جوامع پیشرفته صنعتی مانند انگلیس، کره، ژاپن، ترکیه، چین، هند و ... از درجه صنعت نساجی وارد فاز صنعتی شدن گردیده‌اند و در حال حاضر نیز تجارت جهانی محصولات این صنعت در سال بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار است.

تنها اشاره‌ای که در این سند به صنعت نساجی شده، ارائه آمار شاغلین در صنعت نساجی و پوشاک در بخش وضع موجود صنعت کشور (جدول صفحه ۷۳) است که آن هم متأسفانه با واقعیت موجود فاصله زیادی دارد. در حالی که صنعت نساجی کشورمان با شاخص‌های کلان و مزیت‌های نسبی فوق‌الذکر می‌تواند نقش بسیار ارزنده‌ای در رونق صنعت و رشد و توسعه کشور، کاهش بیکاری و افزایش صادرات غیرنفتی داشته و اقتصاد کشورمان را در رسیدن به اهداف کلان در نظر گرفته شده در سند چشم‌انداز بیست ساله یاری نماید.

علاوه بر ایراد مهم فوق که امیدواریم تصحیح شود، موارد دیگری نیز در خصوص استراتژی توسعه صنعتی قابل ذکر است که به طور خلاصه به آنها اشاره می‌شود:

۱ - مهم‌ترین سئوالی که تدوین‌کنندگان این سند باید به آن پاسخ دهند این است که آیا آنان به اقتصاد آزاد و رقابتی و نظام بازار مبتنی بر عرضه و تقاضا اعتقاد دارند؟ یا این که این سند را هم بر مبنای اقتصاد بسته تحت کنترل دولت تدوین نموده‌اند؟

۲ - طبق این پیش‌نویس، هدف نهایی استراتژی صنعتی، «توسعه صنعتی بر پایه عدالت» در زمان حال و نسبت به آیندگان در نظر گرفته شده است، اما هیچ تعریف روشنی از واژه «عدالت» نشده است. برآستی منظور تدوین‌کنندگان این پیش‌نویس از این واژه چیست؟

۳ - یکی از مشکلات مهم اقتصاد ما در حال حاضر، عدم وجود آمار دقیقی است که اقتصاددانان کشور بتوانند در بررسی بخش‌های مختلف اقتصادی با اطمینان خاطر به آن استناد کنند. برای مثال پیش‌بینی تحقق رشد ۸ درصدی تا پایان برنامه پنجم و رشد ۹ درصدی تا پایان سند چشم‌انداز بیست ساله واقع بینانه به نظر نمی‌رسد.

نکته مهم دیگر در بخش آمار این سند این است که در جای جای این استراتژی به درصد افزایش شاخص‌ها طی دوره اجرای آن اشاره شده است ولی در هیچ کجای آن به آمارهای پایه‌ای که نقطه شروع را مشخص کند، اشاره‌ای نشده است که در تدوین نهایی این سند، این نقص مهم باید برطرف گردد.

۴ - سئوال دیگری که تدوین‌کنندگان این استراتژی باید به آن پاسخ بدهند این است که آیا برای اقتصاد و صنعت کشورمان خودکفایی لازم است؟ اگر آری در چه بخش‌هایی؟ و به چه قیمتی؟ این سئوالی است که با توجه به شعارهای اقتصادی سی سال گذشته پاسخ به آن بسیار حیاتی

است. آیا هدف این است که در تمامی عرصه‌ها به خودکفایی برسیم یا رشته‌های خاصی را برای خودکفایی انتخاب کرده‌ایم؟ این موضوع باید در این سند به صورت شفاف برای همگان مشخص شود تا جهت گیری‌های سرمایه‌گذاری تعیین گردند.

۵- اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها به خصوص آزادسازی نرخ حامل‌های انرژی به طور قطع در وضعیت واحدهای تولیدی و قیمت تمام شده محصولات داخلی تاثیر بسزایی خواهد داشت. آیا این مولفه در تدوین اهداف در نظر گرفته شده برای این استراتژی پیش بینی شده است؟ با توجه به این که ظاهراً هیچ کس از نرخهای حامل‌های انرژی بعد از اجرای قانون مذکور، خبر ندارد آیا تدوین کنندگان سند با خبر هستند؟ بهتر است این ارقام مشخص شوند.

۶- آیا نوسانات متغیرهای دیگری چون نرخ ارز و نرخ سود بانکی توسط دولت و آثار و تبعات آن در وضعیت بنگاه‌های تولیدی و همچنین در تحقق اهداف استراتژی در نظر گرفته شده است؟ برای نرخ ارز پیش بینی‌ای شده است؟ آیا قرار است نرخ ارز آزاد شود یا خیر؟

۷- مداخله‌های بی‌شمار دولت تحت عنوان قیمت‌گذاری و تنظیم بازار تا چه حد با اهداف در نظر گرفته شده برای استراتژی توسعه صنعتی همخوانی دارد؟ این مداخله‌ها تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؟

۸- آیا در تدوین این استراتژی موضوع مهم تشدید تحریم‌های بین‌المللی و تبعات آن از جمله بسته شدن بازار کشورهای پیشرفته‌ای چون کشورهای اروپایی بر روی تولیدات کشورمان دیده شده است؟ ادامه تحریم‌ها تا چه زمانی و تا چه حدی پیش بینی شده است؟

۹- همکاری گسترده دولت ایران با کشورهای آمریکایی لاتین تا چه حد در جهت اهداف این استراتژی است؟

۱۰- مولفه دیگری که به نظر می‌رسد در این استراتژی اصلاً به آن توجهی نشده است، موضوع مهاجرت گسترده نیروی انسانی فنی و متخصص کشورمان به خارج است. آیا از نظر تدوین کنندگان این استراتژی این موضوع تاثیری در اهداف آن ندارد؟

۱۱- ابهام دیگری که در این پیش نویس وجود دارد، نحوه نظارت است. ناظرین بر اجرای دقیق این استراتژی چه کسانی هستند؟ به نظر می‌رسد باید کارگروهی متشکل از نمایندگان نهادهای صنفی بخش خصوصی اقتصاد و صنعت کشور بر اجرای این استراتژی نظارت کامل داشته باشند تا این سند نیز به سرنوشت برنامه چهارم توسعه و استراتژی توسعه صنعتی قبلی دچار نشود.

در خاتمه چنانچه مسئولین محترم وزارت صنایع و معادن به ویژه تدوین کنندگان استراتژی توسعه صنعتی کشور به ابهامات یازده گانه فوق پاسخ روشن، شفاف و قانع کننده‌ای ندهند، بویژه در آستانه اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و در شرایط تشدید تحریم‌های بین‌المللی علیه کشورمان، بیم آن می‌رود که حتی در صورت تصویب این پیش نویس در مجلس شورای اسلامی، در عمل و صحنه اجرایی با عدم امکان همکاری بخش‌های مختلف صنعتی و اقتصادی کشورمان به

ویژه مدیران واحدهای تولیدی و صاحبان بنگاه‌های اقتصادی روبرو شده و در نتیجه میزان اثر بخشی و درصد موفقیت آن کاهش یابد. پس شاه بیت اصلی موفقیت استراتژی توسعه صنعتی کشور، مشورت و همکاری دستگاه‌های دولتی با نهادهای مدنی و تشکل‌های صنعتی بخش خصوصی اقتصاد کشور در کلیه مراحل اعم از تدوین، تصویب و نظارت مستمر در حسن اجرای آن است .
با آرزوی موفقیت برای دست‌اندرکاران تدوین این سند.

منابع :

- ۱- استراتژی توسعه صنعتی جمهوری اسلامی ایران، تدوین شده توسط: معاونت برنامه‌ریزی، توسعه و فناوری وزارت صنایع و معادن، شهریور ماه ۱۳۸۹
- ۲- آمار و اطلاعات ارائه شده توسط دفتر صنایع نساجی و پوشاک وزارت صنایع و معادن، مهرماه ۱۳۸۹
- ۳- روزنامه دنیای اقتصاد، شماره‌های ۸۹/۶/۱۴، ۸۹/۶/۱۵ و ۸۹/۶/۲۴ /خ

انجمن صنایع نساجی ایران

آبان ماه ۸۹